

مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

حله قانونمند و یونین مبارزه

آغاز و گسترش وسیع و همه جانبه اعتصابات و کارمندان در سطح کشور، تنها دو هفته جمعه سیاه، مرحله قانونمند توجی از مبارزه کتاتوری و اعتلا آن بعد از بلاتر مبارزه معوقه و ملی بشمار مرود، اکنون آن طبقه‌ای یا تمام عرصه مبارزه میگردد، که توان آن برای تأمین دموکراسی بر استبداد و پیروزی جنبش ملی و یک پیش از طبقات دیگر است. این طبقه را اگر ایران امم از شاختن کار جسمی و فکری که همراه همه نیروهای ضد استبدادی در شهر، بن خود در روسا، محققان است. همبست و ن زحمتکش - نه تنها میتواند مبارزه ضد بی را به پیروزی برساند، بلکه قادر است جنبش ملی و دموکراتیک را تحقق بخشد. مبارزه ضد دیکتاتوری در یکسال و نیم گذشته، نباشته شدن تضادهای و تناقضات، مراحل تکاملی سرعت طی کرد. مبارزات قانونمند اعتصابی کارگران و کارمندان نیز، همان علت اینشته ضیقهای ملی و سیاسی بر استبداد شونده گیل ۲۵ سال گذشته، با سرخس، شکست آور نوسه رش خود را آغاز کرده است. طی تنها دو تیر مبارزات اعتصابی - که کارگران ضعیف کارمندان مبارزات آغاز نهاده بودند، بکارگران نذات کلیه رشته های تولیدی - نساجی، صنایع فلزی و مؤسسات حمل و نقل - هواپیمایی و تلهگراف، کارکنان خدمات - بیمه - پست - راپو - تلویزیون و چند ها در دولتی و خصوصی سرایت و همچنان با سرعت می یابد. موج عظیم اعتصابی در سطح کشور رو به اوج میرود. اعتصابات وسیع کارگران و کارمندان در لحظه از جهات متعدد امری قانونمند و ضروری بشمار رژیم اختطای و پلیسی استبداد شاه در ربع گذشته عامل عمده تشدید استبداد و تحمیل شرایط طاقت فرسای کار و زندگی بر توده زحمتکشان شده است. صدمه ها در مقایسه با گران سرتاسر بیه زندگی عملا بدون تغییر نگاه داشته شده است کارگران و کارمندان را در سطح فقرتیمت به محرومیتها، کارگران و کارمندان از مزایای کار، بهداشت و بیمه بمانند عظیم افزوده شده، سنگین میبویها، کارکنان، با کارمند بدبخت بدبخت شده و اولنگ نشینی که در گذشته به اعتراف اختصاص داشت، اکنون بعنوان مظهر استبداد و زحمتکش سراسر شهرهای ایران، را در در است. قانونگذاری اعتصابات کنونی کارگران نشان دروازیست، که شرایط موجود دیگر قابل نیست و کار روزیگی زحمتکشان باید بطور بهبود یابد. سرکوب سازمانهای صنفی کارگران و کارمندان سال گذشته ابزار عمده استبداد سلطنتی در حفظن و سکوت به جامعه ایران بوده است. قرن گذشته رژیم پلیسی و استبدادی حاکم کارگران و کارمندان را از داشتن سازمانهای سندیکاها و اتحادیه های آزاد و واقعی محروم، بلکه آگاهانه سیاست تحمیل سازمان های سندیکایی و اتحادیه ای به کارگران و کارمندان را قرار داده. این امر به تسلط بدترین و ناگوار نوع اختطای به کارگران انجامید. ضرورت و اهمیتهای یکجونی کارگران و کارمندان، در که در جریان این اعتصابات زده قطره افزایش دنباله در صفحه ۲

مصاحبه دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران با مخبر «اومانیته»

۱۷ شهریور ماه ۱۳۵۷ مخبر روزنامه فرانسوی اومانیته (ازگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه) ضمن ملاقاتی از رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران خواهش نمود که بطور مختصر نظر خود را در باره تحولات اخیر اوضاع ایران بیان نماید.

در پاسخ این سؤال رفیق اسکندری شخصیات جنبش کنونی ایران را در سه خصلت داخلی دمکراتیک و انقلابی، خلاصه کرد و نظر خود را چنین توجیه نمود: «داخلی است زیرا اشرار مختلفه ی خلق از مکاران و جنگجویان کمینشالی گرفته تا بورژوازی ملی در آن شرکت دارند و این شرکت نه تنها در تهران با نفقه مبنی از کشور است بلکه در سرتاسر ایران همه مردم را در بر گرفته است. این جنبش جنبه انقلابی و دمکراتیک دارد زیرا هدفهای آن از یکسو مبارزات سرنگون ساختن رژیم کمونیستی رژیم است که به سرمایه داران بزرگ وابسته به اعتصابهای امیرالیستی و در رأس آنها شاه و بنحاندان سلطنتی قرار دارد، و از سوی دیگر استقرار یک رژیم دمکراتیک را هدف خود قرار میدهد.»

در پاسخ آنکه در نتیجه چه اوضاع و احوالی یکباره خلق بخرکت درآمده است رفیق اسکندری گفت: «این وضع برای حزب توده ایران غیر منتظره نبود. سه سال پیش کمیته مرکزی حزب ما ضمن سند سیاسی مصوب خود، یک دورات قریب از نوع اوج نهضت خلق را بر پایه تحلیل و قرآن بزرگی که دلالت بر عمق نارضایتی طبقات و تشرهای مختلفه ی مردم مینمود، پیش بینی کرد. در واقع اعتصابات مکرر کارگری و اوج جنبش مطالباتی طبقه کارگر از یکسو و نارضایتی شدید دهقانان که معلول سیاست نادرینت کشاورزی و رخنه سرمایه داری بزرگ داخلی و خارجی در روستاهاست از سوی دیگر، چنان همافران را بی با کرده است که دهها هزار تن از آنان هر سال بسوی شهرها در جستجوی کار میروند و بیچاره عده بیکاران میآویزند، در حالی که رژیم قریب یک میلیون کارگر بکارهای استخدام نوده است.»

بدینسان ایران کشوری که در گذشته از لفاظات محصولات کشاورزی خود کما بود، امروز بزرگی افتاده است که مجبور است نصیحتن مایحتاج غذایی خود و حتی میوه را از خارج وارد نماید.

از سوی دیگر رژیم ترور و اختطای، شکنجهها و هجوم های مکرر به حقوق و آزادی های مردم، مداخلات دایمی سواک در تمام شؤون زندگی فردی و اجتماعی، حتی در امور مربوط به دانش و فرهنگ، تمام قشر های مختلفه ی خلق را بسته آورده و محیط را برای آن غیر قابل تنفس ساخته است.

نامه شادباش حزب کمونیست ترکیه به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیقان ارجمند! حزب کمونیست ترکیه همشگی کله کمونیست ها و زحمتکشان ترکیه را با مبارزات شرفه کارگر و زحمتکشان و توده های وسیع مردم ایران علیه رژیم خونخوار شاه، با همه نیروهای مترقی و لیل از همه حزب برادر ما، حزب توده ایران اعلام میدارد و به آنان درود های انقلابی میفرستد. فشار و ترور امیرالیسم و ارضاع نامیرانده مبارزات روز افزون طبقه کارگر و مردم ایران را برهبری حزب توده ایران بخاطر استقلال ملی و دموکراسی سرکوب کننده بزرگی نیروهای شکرآبیک حقیقی است. رژیم استبدادی شاه سرکون خواهد شد و حکومت جمهوری دمکراتیک استقرار خواهد یافت.

زننه باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران! زننه باد حزب توده ایران!

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه (۱۱ سپتامبر ۱۹۷۸)

مبارزه مردم با پیگیری ادامه دارد

مخبر روزنامه فرانسوی اومانیته (ازگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه) ضمن ملاقاتی از رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران خواهش نمود که بطور مختصر نظر خود را در باره تحولات اخیر اوضاع ایران بیان نماید.

در پاسخ این سؤال رفیق اسکندری شخصیات جنبش کنونی ایران را در سه خصلت داخلی دمکراتیک و انقلابی، خلاصه کرد و نظر خود را چنین توجیه نمود: «داخلی است زیرا اشرار مختلفه ی خلق از مکاران و جنگجویان کمینشالی گرفته تا بورژوازی ملی در آن شرکت دارند و این شرکت نه تنها در تهران با نفقه مبنی از کشور است بلکه در سرتاسر ایران همه مردم را در بر گرفته است. این جنبش جنبه انقلابی و دمکراتیک دارد زیرا هدفهای آن از یکسو مبارزات سرنگون ساختن رژیم کمونیستی رژیم است که به سرمایه داران بزرگ وابسته به اعتصابهای امیرالیستی و در رأس آنها شاه و بنحاندان سلطنتی قرار دارد، و از سوی دیگر استقرار یک رژیم دمکراتیک را هدف خود قرار میدهد.»

در پاسخ آنکه در نتیجه چه اوضاع و احوالی یکباره خلق بخرکت درآمده است رفیق اسکندری گفت: «این وضع برای حزب توده ایران غیر منتظره نبود. سه سال پیش کمیته مرکزی حزب ما ضمن سند سیاسی مصوب خود، یک دورات قریب از نوع اوج نهضت خلق را بر پایه تحلیل و قرآن بزرگی که دلالت بر عمق نارضایتی طبقات و تشرهای مختلفه ی مردم مینمود، پیش بینی کرد. در واقع اعتصابات مکرر کارگری و اوج جنبش مطالباتی طبقه کارگر از یکسو و نارضایتی شدید دهقانان که معلول سیاست نادرینت کشاورزی و رخنه سرمایه داری بزرگ داخلی و خارجی در روستاهاست از سوی دیگر، چنان همافران را بی با کرده است که دهها هزار تن از آنان هر سال بسوی شهرها در جستجوی کار میروند و بیچاره عده بیکاران میآویزند، در حالی که رژیم قریب یک میلیون کارگر بکارهای استخدام نوده است.»

بدینسان ایران کشوری که در گذشته از لفاظات محصولات کشاورزی خود کما بود، امروز بزرگی افتاده است که مجبور است نصیحتن مایحتاج غذایی خود و حتی میوه را از خارج وارد نماید.

از سوی دیگر رژیم ترور و اختطای، شکنجهها و هجوم های مکرر به حقوق و آزادی های مردم، مداخلات دایمی سواک در تمام شؤون زندگی فردی و اجتماعی، حتی در امور مربوط به دانش و فرهنگ، تمام قشر های مختلفه ی خلق را بسته آورده و محیط را برای آن غیر قابل تنفس ساخته است.

اعلامیه

فدراسیون سندیکایی جهانی ده هزار نفر از زحمتکشان شرکت ملی صنایع نفت ایران چند روز پیش در جریان مبارزات گسترده و دلیرانه آنکه مردم و زحمتکشان ایران میکنند دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب بر اهمیت منظورترین پرواضهای اقتصادی و فزاینده بحال برای پایان دادن به اختطای است که از طرف شاه و دستهای جنایتکار او اعمال میشود.

بیکبار دیگر نیروهای رژیم فشار و اختطای در جریان این اعتصاب داخلی خوین کرده اند. همه آنها را اعتقل و موقوفه کردند و شماره زیادی را پلیس حکومت دیکتاتوری زندانی نمود.

فدراسیون سندیکایی جهانی بار دیگر علیه این جنایت پلیس شاه اعتراض میکند و زحمتکشان و مردم دلیران درود میفرستد و همشگی خود را با آنها که در برابر قدرت دیکتاتوری شاه علیه فقر و اختطای که به آنها تحمیل شده میروند، اعلام میدارد.

فدراسیون سندیکایی جهانی از زحمت کشان دنیا و سازمانهای سندیکایی جنی طلبد که پشتیبانی خود را بهر نحو که ممکن میدانند نسبت به زحمتکشان ایران بفرستند.

نسبت به کمیسیون ارتباط سندیکایی ایران ابراز درود و پراک - ۴ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۲ مهر ۱۳۵۷

مبارزه مردم با پیگیری ادامه دارد

مخبر روزنامه فرانسوی اومانیته (ازگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه) ضمن ملاقاتی از رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران خواهش نمود که بطور مختصر نظر خود را در باره تحولات اخیر اوضاع ایران بیان نماید.

در پاسخ این سؤال رفیق اسکندری شخصیات جنبش کنونی ایران را در سه خصلت داخلی دمکراتیک و انقلابی، خلاصه کرد و نظر خود را چنین توجیه نمود: «داخلی است زیرا اشرار مختلفه ی خلق از مکاران و جنگجویان کمینشالی گرفته تا بورژوازی ملی در آن شرکت دارند و این شرکت نه تنها در تهران با نفقه مبنی از کشور است بلکه در سرتاسر ایران همه مردم را در بر گرفته است. این جنبش جنبه انقلابی و دمکراتیک دارد زیرا هدفهای آن از یکسو مبارزات سرنگون ساختن رژیم کمونیستی رژیم است که به سرمایه داران بزرگ وابسته به اعتصابهای امیرالیستی و در رأس آنها شاه و بنحاندان سلطنتی قرار دارد، و از سوی دیگر استقرار یک رژیم دمکراتیک را هدف خود قرار میدهد.»

در پاسخ آنکه در نتیجه چه اوضاع و احوالی یکباره خلق بخرکت درآمده است رفیق اسکندری گفت: «این وضع برای حزب توده ایران غیر منتظره نبود. سه سال پیش کمیته مرکزی حزب ما ضمن سند سیاسی مصوب خود، یک دورات قریب از نوع اوج نهضت خلق را بر پایه تحلیل و قرآن بزرگی که دلالت بر عمق نارضایتی طبقات و تشرهای مختلفه ی مردم مینمود، پیش بینی کرد. در واقع اعتصابات مکرر کارگری و اوج جنبش مطالباتی طبقه کارگر از یکسو و نارضایتی شدید دهقانان که معلول سیاست نادرینت کشاورزی و رخنه سرمایه داری بزرگ داخلی و خارجی در روستاهاست از سوی دیگر، چنان همافران را بی با کرده است که دهها هزار تن از آنان هر سال بسوی شهرها در جستجوی کار میروند و بیچاره عده بیکاران میآویزند، در حالی که رژیم قریب یک میلیون کارگر بکارهای استخدام نوده است.»

بدینسان ایران کشوری که در گذشته از لفاظات محصولات کشاورزی خود کما بود، امروز بزرگی افتاده است که مجبور است نصیحتن مایحتاج غذایی خود و حتی میوه را از خارج وارد نماید.

از سوی دیگر رژیم ترور و اختطای، شکنجهها و هجوم های مکرر به حقوق و آزادی های مردم، مداخلات دایمی سواک در تمام شؤون زندگی فردی و اجتماعی، حتی در امور مربوط به دانش و فرهنگ، تمام قشر های مختلفه ی خلق را بسته آورده و محیط را برای آن غیر قابل تنفس ساخته است.

علل «علاقه» امیرالیسم فرانسه به رژیم شاه

روزنامه فرانسوی «اکو» اوگان اعتصابهای امیرالیستی روز سه شنبه ۱۹ سپتامبر کارکنان را منتشر سلطنت که در آن سن میشل (پارشته ترافی) را زده و با خرد میکند. منظور «اکو» از نوشته توفی شاه جنایت پیشه ایران بوده است.

روزنامه کمونیستی فرانسه «اومانیته» در شماره مورخ ۲۱ سپتامبر خود به اینکار روزنامه «اکو» پاسخ داده و میگوید به نظر «اکو» ازدها عبارت از خلق باصلاح عقب مانده است که گویا بگشته پای بند است. «اومانیته» با بررسی خاطراتی میسازد که روزنامه از گان مجالی مالی فرانسه در انتخاب میان خلق و دستگیر خلق هیچوقت بخود تودید راه نمیدهد و همیشه دستگیر خلق را بر خلق مرجع میسازد.

این یک حقیقت است. ولی باز میتوان پرسید چرا «اکو» دستگیر خلق را بر نشسته میزند؟ پاسخ به این سؤال را میتوان در مجله فکاهی فرانسوی «کابلی» آتشیه، پیدا کرد. در شماره ۱۲۲ «اوت این» مجله نوشت که «جوایز ایران کاخ الیزه را بشایدان نگران کرده است. در کاخ الیزه میشن از نمایانری رژیم شاه تا از انتقاری قراردادهای متعدد مالی و منصفی دنباله در صفحه ۲

دستوردها و بهبود شرایط کار و مسکن و کسب دیگر مزایای موزع توجه آفران دارد. بلکه خواستهای سیاسی هم از قبیل طرد سازمانهای صنیعی پالیسی و ساواک زده و احیای سازمانهای اصیل و آزاد سنیعیایی و اتحادیههای در مرکز دقت داشته باشد. کارگران و کارمندان ایرانی توجه دارند که در لحظه کنونی همزمان با کسب بیرونی در تحقیق خواستهای مادی و رفاهی باید به بیرونی احیای فعالیت آزاد سنیعیایی و اتحادیه ای بتوان وظیفه ای تأخیر ناپذیر را ایفا آید. این امر میتواند در برابری با برپایی انحصاریات کنونی از نوع به فعل درآید.

در این باره باید گفت که در این مرحله قانونمند از سیر عمومی مبارزه موزع ایران، بظنظر کسب آزادی و استقلال میتوان با اعتماد از پیروزی جنبشی سخن گفت که در آن قاطبه طبقات زحمتکش و انتظار مای و فترتی شامه اتم از کارگر و کارمند، بازاری و پیشه‌ور، دانشکاهی و فرهنگی، روحانی و روشنفکر شهری و روستایی شرکت دارند و میروند تا انحصاریت محکم و استوار برای نایل به طرد استبداد و کسب آزادی و استقلال بوجود آورند. هیچ نیروی قادر نیست از حقوق این مبارزه تاریخی جلوگیری نماید. رژیم استبدادی با تسلط به حکومت نظامی و راه ابتدائی، به جمعه های شورش و تلاش دارد از سیر اعتدالی جنبش و نایل آن به هدفهای آزادی و استقلال طلبانه جلوگیری نماید. لکن مردم ایران با تشدید مبارزه این تلاشها را عظیم می سازند.

پیروز با انحصاریات قانونمند کارگران و کارمندان راه گشای مرحله نوبین مبارزات مردم ایران بظنظر طرد استبداد و دیکتاتوری و نایل به هدفهای جنبش دیکتاتیک و ملی است.

مبارزه مردم با بیگونی ادامه دارد

با وجود روشن بودن این حقایق و در حالی که استبداد و محله رضا شاهنشاهی بدستگیری این نظامیسم با استقرار حکومت نظامی حلال سزایشن دشواری را در بر می آید. نظامی قزاق داده و در شرایطی که هر روز در چندین شهر کشور بدست دشمنان شاه خون موزع حق طلبان ایران ریخته می شود، عده ای از عمال دیکتاتوری و سیرندگان امپریالیسم امریکا و انگلیسی از قبیل جعفر شریف امامی و اوکیس و مقدم و قزاق باغی و دیگران مدعی هستند که نظام شاهنشاهی فضای سیاسی را «باز خواهد کرد» و ملک الموت ما را خواهد شکست.

روندادهای کشور نشان میدهد که مردم مبارزه ایران موج جدیدی در فرود خویش شاه را از سر گذرانده و بر قانونهای عوامفریبانه رژیم پیش پا زده و بر مواضع پیکار اخلاقی خود استوار و پایدار مانده است. مبارزات مردم هزاره ها مطابق و در هر حال تازه تر و آرا در هر یک از بخشهای وسیعتری از همه طبقات اجتماعی نمایندگانی همه خلقهای ایران، بیرون از همه مفاصل و ادیان را، بغضت مدعی آورد. یک فهرست ناقص از اسامی هنرمنانی که پس از «جمعه خونین» با رژیم خونخوار استبدادی دست یگریبان بوده اند این واقعیت را با قیافه میرساند: تهران، قم، مشهد، تبریز، کرمانشاه

که در کشور ما روحانیت شیعه عملکرد جنبش ضد استبدادی و ملیت شکنی شده است. روحانیت شیعه در کشور ما دارای سنت انقلابی سابقه داری است. زیرا خود بطور عمده ناشی از طبقات متوسط و حتی فقرهای زحمتکش است و بنابراین موضوع خود با خلق و خواستهای عده امپریالیستی و دیکتاتیک آن پیوند نزدیکی دارد.

اما چون در باره برخورد حزب ما با شیعه نمیتوانیم بگویم باید این نکته را بظنظر نشان سازم که خنثیت توده ایوان همواره به منتهی و پیوسته می باشد. شیعه احترام گذارده است. زیرا حزب ما حزب توده ملی خلق است و خصیت عمیقاً دموکراتیک دارد. نظر پاییکه منتهی شیعه نهاد اکثریت توده ملی ایران است. حزب توده ایران که خود را از آن خلق میدانند نمیتواند به مقتضات اکثریت مردم بی اعتنا باشد. علاوه بر این در تعالیم اسلام اصولی وجود دارد که نه تنها مبنای سیاسی حزب ما را نمیکنند بلکه مؤید آنست. همین سبب نقطه اشتراک میان حزب ما و تعالیم اسلامی کم نیست. مثلاً این اصل اسلامی «الزوج للزوج و الوانک لخاصی» یعنی اصلی که طبق آن حاصل از آن کشاورز است «انکر چه» بر زمین شخصی کشت کرده باشد. با اصول حزب ما که مقبول و لازم آن کارگر و مردم زحمتکش میدانند که آنرا بوجود می آورند. انطباق پیدا میکنند. اسلام اصل برابر مردم و برابری را اعلام داشته است و این با تعوری شیعی حزب ما منطبق است. علی بن ابیطالب امام اول شیعیان و امام پیغمبر اسلام میگوید «کن لنظام خصماً و للمظلوم عوفاً» یعنی دشمن ستمگران و مظلومان باش و تعالیم مشخص دموکراتیک نیز برای توسعه حکومت کردن دارد. لکن با انطباق ذاتی به شرایط زمان میتوان آنها را مورد استفاده عملی قرار داد. امام اول شیعیان با شدت هر چه تمامتر جمع غیر مشروع مالی را که میشد بر کار و کوشش شخصی باشد محکوم کرده و عین تساوی ثروت را مورد انتقاد جنی قرار داده است. در یکی از خطبه های خود از جمله میگوید: «ملتی که شاه بر سرست، خدای را بخواهد شایسته. همچنان که ایرانیان که شاهان خود را بر سرش میگردانند، شرف و الحاد بوده اند. درست است که امر ما از آن مسائل را بجزو میگردانیم. مطرح می کنیم ولی از لحاظ ماهری با بسیاری از خواست های حزب ما منطبق پیدا میکنند»

در پایان این گفتگو دبیر اول حزب توده ایران با اشاره به اعلامیه کمیته مرکزی مورخ ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ اظهار نمود: حزب ما از همه نیروهای اپوزیسیون دعوت کرده است که برای تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری متحد شوند. حزب ما معتقد است که میان نظریات نیروهای اپوزیسیون ضد رژیم کنونی نقاط مشترک متعددی وجود دارد که امکان میدهد با یکدیگر جبهه واحدی گردانند. تا رژیم شاه را سرنگون نموده و حکومت موقت ائتلاف ملی بر کار آورند که آزادیهای دیکتاتیک را برقرار سازد. حکومت ملی را تأمین نموده. در راه رفاه و آسایش خلق اقدام نماید.

حزب توده ایران به پیشنهادهایی خود را برای تنظیم یک برنامه مشترک ایجاد نیروها ضمن اعلامیه ۱۳ شهریور تقدیم داشته است. حزب ما آمیخته است با همه نیروهای اپوزیسیون برای مطالعه این پیشنهادها و پیشنهادهایی دیگران و یافتن زبان مشترک و اردک گفتگو شود.

همدان، زنجان، رضاشاه، پانزده یوزگان، دژول، خرم آباد، امل، باقر، سندانج، در این مبارزات تاریخی کارگران، کشته و اضعاف، دانشجوین و روشنفکران، روحانیون میهن پرست، کارمندان و مستخدمین، قشرهای دهقانی که در نتیجه سیاست رژیم هست و نیست خود را از دست داده و به ناخشنود نشین شهرها ما مبدل گشته اند، سرمایه داران ملی یعنی عظیم ترین اکثریت مردم ایران شرکت دارند. جنبش اعتصابی، شکرترین ابغاه اردن تا یخ ایران بخود گرفته است. این مبارزه را با ستخوان رسیده ایران ابتدا بیگیری و قهرمانی از خورشیدی مبارزه خود را ادامه میدهند. ولی آن شرط

پیام کنفرانس دهلی نو

به هیئت پرستان ایران
سزای و نمایندگان جنبش های آزادی بخش ملی از مبارزات مردم ایران
پشتیبانی میکنند

از تاریخ ۲۸ سپتامبر تا ۲ اکتبر ۱۹۷۸ در دهلی نو کنفرانسی که در آن علاوه بر سران جنبشهای آزادیبخش افروقی جنوبی، نمایندگان بیش از ۷۰ کشور شرکت داشتند تشکیل شد و مبارزات مردم افروقی جنوبی را بر ضد رژیم پرسی تمیض افروزی و در راه آزادی ملی مورد بررسی قرار داد. در این کنفرانس نمایندگان جنبشهای آزادیبخش افروقی جنوبی، نامیبیو زیمبوآ، فدراسیون کشورهای مبارزات خلقهای خود سخن گفتند و توجه جهانیان را با موضوع خود جلب کردند. در این کنفرانس نماینده ایران هم شرکت داشت و در ضمن تقاضای در جلسه عمومی کنفرانس، اوضاع ایران و مبارزات قهرمانانه مردم آنرا تشریح و از حاضران در جلسه تقاضا کرد که مبارزات مردم ایران را بیکی از پیش مورد تأیید قرار دهند. در جریان کنفرانس، طی برخوردهای متعدد نماینده ایران به پرستهای فراوان سران و نمایندگان جنبشهای آزادیبخش افروقی و سایر قلهها پاسخ داد و در رفع سوء تفاهماتی که در این زمینه بر اثر تبلیغات مطبوعات یورپائی وجود آمده است کوشید. در برخورددهی دیگر، اوضاع ایران برای خان ایندیرا گاندی نخست وزیر پیشین هندوستان و سران احزاب آن کشور تشریح شد.

کنفرانس در پایان بیانی بشرح زیر خطاب به میهن پرستان ایران صادر کرد:

کنفرانس بین المللی برای آزادی افروقی جنوبی و بر ضد آپارتاید، تعاون و همبستگی عمیق خود را با مبارزه میهن پرستان ایران ابراز میدارد و برای آنها کامیابی آرزو میکند. این کنفرانس اعمال تبه کارانه و فساد محافل ارتجاعی را بر ضد مردم صلح دوست ایران شدیداً محکوم میکند. اعلام حکومت نظامی در آن شهر و ارجله پایتخت ایران، عمل خشونت آمیز است که ماهیت واقعی رژیم کنونی را فاش میکند. حکومت نظامی باید بیپسوندگی پایان یابد.

کنفرانس خواستار آزادی شعوری تمام زندانیان سیاسی، احترام به حقوق و آزادی مردم ایران، بداسال که در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است، و اختلال ساواک میباشد.

کنفرانس سیاست تسلیحاتی تب آورد رژیم ضد خلقی ایران را شدیداً محکوم میکند. این سیاست مقابله با آزادی و صلح و ثبات را در سازمان منطقه مورد مخاطره قرار میدهد.

حضور بیش از ۲۰ هزار رایزن نظامی امپریالیستی ماعت از این امر ابراز تأیید کرده است. کنفرانس تقاضا دارد که این جاسواصلاح رایزنان که بسیاری از آنها از کهنه کران تهاجم امپریالیستی بر ضد ویتنام هستند فوراً خوانده شوند.

عده وحل کنندهای که پیروزی مردم پردهشمان خود می چون و چرا بدان بستگی دار یعنی اتحاد و وحدت عمل احزاب سازمانها، گروهها و شخصیت هائی که در رهبری مبارزه ضد استبدادی مردم ایران قرار دارند - هنوز تا همین نشده است. در چنین اوضاعی ما همه نیروهای ضد دیکتاتوری را مورد خطاب قرار داده میگویم: دوستان! چرا ما باید از برنده ترین سلاحا که اتحاد و همکاری ما است محروم مانیم؟! مگر هدف همه ما برچسبیدن بساط دیکتاتوری و کشودن راه برای رهایی و سعادت مردم ایران نیست؟

هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران در اطلاعیه اخیر خود خاطر نشان میسازد که «مانند سابق وحدت عمل کلیه نیروهای ضد رژیم در جبهه ضد دیکتاتوری عامل مؤثر پیشرفت و شرط کامیابی نهضت است...»

توجه خود روش خویشرا بر پایه اتحاد با همه نیروها استوار کرده ایم و در آینده نیز در جهت این اتحاد و علیه تفرقه افکنی از جانب

فردای دیگر

بهاوان خلق خوین است و خشمگین و تلخ شاه را لبخند شوم چیرگی نقش اب است کوبه این ابلهیل شب، در پیچوده میزانی بخوشی هر سونی بانک خروسان است و پایان شب است

جمعه خونین و صنادی بود ایران اکتبر، لیک از بهاد خلق بانگی پروتازیر میرسد

گشته طرفانرا کون درلی محبوب و خوش تا که موجی بشکند، فوجی کلانتر میرسد

رفت آن دنیا که شه را بر سر مستند نشاند شد پدید از میجر بیگانه زمانی، دیگر بهر آرزوی که میهن وانی جاویش بود، بود فردائی و خواهد بود فردای دیگر

نی عطای پادشاه و تی قضای آسمان ره سوی مقصد توان بگشود تنها در نبرد مشکل از بسیار، پیروز است غلی کو بود زیرک و سوسخت و آخر بین و دانا در نبرد

آن درجی، گش سرشت از ظلم باشد بشکا هر چه هم در پیش طرفان خم شود، خمر شود منج بر دیوار با هر کوبه یا بر چار است روح نیرومند، با هر نبره محکمتر شود

مقدمه بین فرانسه و ایران ایران بگروانی میز ایران یکی از پرورشندگان بزرگ نفت به فرانسه که در سال گذشته میزان آن به ۱۰ میلیون تن از سوی دیگر موسسات مختلف فرانسوی هم از شصت عده ای در تهران فایز کرده اند. دویزها هسته ای برآ که فرانسه در ایران میسازد نیز نباید فراموش کرد. چنانکه می بینید در مسائل اسیانایی بقدر میشود. اما با بنظر نویسنده

معل اینکه ژسکار دیستان حق دارد نگران مگر نه است که انحصارهای فرانسوی با کمک شاه فراتر میهن ما شرف و سهم بوده و هت تازه مسئله بدینجا خاتمه نمی یابد. بطرف آهسته، جنبه دیگر علاقه و تسکار صحن به شامرا میسازد و می نویسد: «برای اینکه بدرستی غلبان اسیانیا را در کاخ الیزه درک کنیم، بدانیم که یکی از اهداف عمده قرار دادهایا، فیلپ ژسکار، دینتین پیر، عمومی رئیس جمهور و از مدیران گروه تومسون است. فیلپ مذکور ایران (موردوهای تلویزیون رنگی و مراکز رزم فروخته است و مبلغ آن هم کوچک است یعنی چندین صد میلیون فرانک سنگین بالغ میگردد. سپس جمله به شخصیت های دیگر فر میزدارد و میافزاید: «انتقاد پوتینوفسکی (سابق) میروند با نقضت وزیر ایران ملاقات کند. عین حال ادگار فور که «تصادفاً» در آن زمان مشغول سیاحت است خواست ملاقات با شاه میباید. گرچه این ملاقات برای خاموش کردن اظهارات نیست ولی بهر حال لامل امکان آنرا متعذر اطلاعات بیشتری از وضع ایران بدست آورده»

«کابل آهسته میبوسند این اقبال میبوسند از اشرف پهلوی اطلاعات روشنی در باره حوادث بدست آورند. زیرا اشرف که اکنون در فرانسه است از سوی همکاران دولتی جنوب فرانسه کتل نظیر نظر ما این نوشتهها نیازی به تفسیر ندارد

رژیم و عمالین مبارزه خواهیم کرد. ماخوا، همکاری داشته نینروهای مخالف رژیم استیبا در پایه برنامه مشترک هستیم»

ع. گ. آزاد